

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ ● تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ ● شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ ● تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ ● تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین ● تلفن: ۰۹۳۸۵۲۳۱۰۶ ● چاپ: صمیم

شترت روزنامه

سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵
۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۳ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
● شماره ۵۴۹۹
۸ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۱:۵۱
اذان مغرب ۱۷:۵۰
اذان صبح فردا ۴:۴۶
طلوع آفتاب ۶:۱۰

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

روزها

برای حقوق دختران سرمایه‌گذاری کنید

روز جهانی دختر امسال با تأکید بر پایان‌دادن به ازدواج کودکان و سرمایه‌گذاری برای حقوق دختران همراه شد.
میشل اوباما از تعهد بیش از یک میلیون دلار برای حمایت از ۲۵ سازمان در ۱۵ کشور خبر داد و در گوشه و کنار دنیا نشست‌هایی برگزار شد تا بیشتر درباره شرایط بهتر دختران اقدام شود.
سال ۲۰۱۲ بود که سازمان ملل چنین روزی را به هدف جلب توجه به نیازها و چالش‌های دختران و حمایت از حقوق و توانمندی آنان آغازگذاری کرد.
محور مطرح‌شده برای این مناسبت در سال ۲۰۲۶، «پایان‌دادن به ازدواج کودکان و سرمایه‌گذاری برای حقوق دختران» است؛ فراخوانی که بر دسترسی دختران به آموزش، خدمات جامع سلامت و امنیت و حق آنان برای تعیین آینده خود تأکید دارد.

۱.۱ میلیارد دختر

در جهان نزدیک به یک میلیارد و صد میلیون دختر زندگی می‌کنند.
موانع ریشه‌دار اجتماعی و اقتصادی سبب می‌شود سالانه میلیون‌ها نفر از آنان با موانعی برای رشد و پیشرفت در توانایی‌های خود بازمانند. ازدواج کودکان، فقر، دسترسی محدود به آموزش، سوءتغذیه، تبعیض جنسیتی و خشونت مبتنی بر جنسیت از موانع اصلی پیش‌روی دختران است؛ خطر مواجهه با این مشکلات در زمان جنک و درگیری، آوارگی و بلایای ناشی از تغییرات اقلیمی افزایش می‌یابد.
براساس داده‌های سازمان ملل متحد که در گزارش مربوط به این مناسبت آمده است، از هر پنج دختر در جهان، یک نفر پیش از ۱۸سالگی ازدواج می‌کند. این ازدواج اغلب به ترک تحصیل می‌انجامد، خطرهای سلامت ناشی از بارداری زودهنگام را افزایش می‌دهد و اختیار دختران در تصمیم‌گیری درباره زندگی‌شان را محدود می‌کند.
دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، همچنین ممکن است خشونت و انزوای اجتماعی را تجربه کنند. این آسیب‌ها در طول زندگی انباشته و گاه به نسل بعد منتقل می‌شوند؛ وضعیتی که می‌تواند خانواده‌ها و جوامع را در چرخه فقر و نابرابری نگه دارد.

تلاش شخصیت‌های سرشناس

میشل اوباما، به مناسبت روز جهانی دختر، تعهد مالی تازه‌ای را از طریق «اتلاف فرصت‌های دختران» اعلام کرد. این اتلاف قرار است از طریق آموزش، توانمندسازی و دفاع از حقوق دختران نوجوان در سراسر جهان فعالیت کند.
قرار است این اتلاف به ۲۵ سازمان در ۱۵ کشور کمک کند.
میشل اوباما، ۶۲ساله، در ویدئویی گفت: «همیشه باور داشته‌ام هر دختر ظرفیت منحصربه‌فردی در خود دارد؛ راهی خاص که می‌تواند از طریق آن زندگی اطرافیان‌ش و شاید حتی جهان را تغییر دهد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری برای دختران، علاوه بر اینکه کار درستی است، سرمایه‌گذاری برای آینده مشترک ما هم هست». این بودجه به سازمان‌ها امکان می‌دهد برنامه‌های خود را گسترش دهند.

به ازدواج کودکان پایان دهید

در نیجریه، در یکی از مدارس نشستی برگزار شد که شاید به دقیق‌ترین نکات درباره وضعیت دختران اشاره کرد. در این نشست، فعالان حقوق دختران خواستار اقدام جدی‌تر علیه ازدواج کودکان، آزار جنسی و تبعیض جنسیتی شدند.
آنان از والدین، دولت و جوامع محلی خواستند «دختران خود را نفروشد» و «از حقوق دختران محافظت کنند» و «برای آموزش آنان سرمایه‌گذاری کنند». در این نشست از شوهردادن دختران برای تأمین هزینه تحصیل برادرانشان انتقاد شد. از والدین خواسته شد به آینده دخترانی فکر کنند که فرصت‌هایشان قربانی می‌شود.
همچنین از دخترانی که با آزار، اجبار یا تهدید روبه‌رو هستند خواسته شد سکوت نکنند. گفته شد: «وقتی می‌گویند حرف زن، همان وقت باید حرف بزنی. وقتی می‌گویند ساکت باش، همان وقت باید صدایت را بلند کنی».
شاید بهترین جمله که در این نشست بیان شد، این جمله بود که خطاب به دختران گفته شد: «زندگی‌ات متعلق به خود تو است. دختربودن، رؤیاهایت را کوچک‌تر نمی‌کند. دختربودن، رؤیاهایت را بی‌اعتبار نمی‌کند.»

خدا نکند این روزها خودروی کسی خراب شود یا یکی از وسایل ضروری خانه، مثل یخچال و ماشین لباسشویی از کار بیفتد. آن وقت است که گرفتاری تازه‌ای به مشکلات قبلی خانواده اضافه می‌شود. هزینه تعمیر چنان سنگین است که مردم ناچار می‌شوند برای پرداخت آن سراغ پس‌انداز روز مبادا بروند. طلا بفروشند یا از مخارج ضروری دیگر بزنند. برای خانواده‌ای که درآمدش به‌سختی کفاف هزینه‌های جاری را می‌دهد، یک خرابی ساده هم می‌تواند به بحرانی جدی تبدیل شود.
دیروز به مزرعه یکی از دوستانم رفته بودم. از هزینه‌های سرسام‌آور تعمیرکاران و تکنیسین‌های تأسیسات می‌نالید و می‌گفت دستمزدها به شکل غیرعادی بالا رفته‌اند که فقط به بهای تمام‌شده محصول اضافه می‌شوند و مصرف‌کننده باید آنها را از جیب خود بپردازد. به گفته او، بسیاری از اینها نه صورت‌حساب شفافی ارائه می‌کنند و نه نظارت مؤثری بر دستمزدهایشان وجود دارد. مالیات هم که نمی‌دهند. هرکس هر مبلغی بخواهد مطالبه می‌کند و کسی هم پیگیر نیست. برای نمونه، مکانیکی برای تعمیر گیربکس تراکتور ۵۰ میلیون تومان دستمزد گرفته و لوله‌کش هم برای کاری که به گفته او چندان پیچیده نبود، ۳۰ میلیون تومان اجرت خواسته بود.

این روزها گاهی هزینه تعمیر یک وسیله، از قیمت خرید آن در گذشته بیشتر می‌شود. اجرت یک کار فنی ساده، به اندازه یک ماه درآمد یک کارمند یا بازنشسته بالا می‌رود. در اقتصادی که تورم، سفره خانوارها را کوچک کرده و بخش بزرگی از جامعه برای تأمین غذا، درمان و مسکن به زحمت افتاده است، آیا قرار است هرکس برای جبران فشارهای زندگی خود، فشار بیشتری بر زندگی دیگری تحمیل کند؟

در بحث فقر، معمولاً نگاه‌ها به کسانی دخته می‌شود که سال‌ها

با محرومیت زندگی کرده‌اند، اما امروز گروه بزرگی از جامعه با پدیده

دیگری روبه‌رو است؛ سقوط آزاد کسانی که تا همین چند سال پیش،

زندگی معمولی و آبرومندی داشتند. معلم، کارمند بازنشسته، کارگر

ماهر و کاسب جز، ممکن است همچنان شغل خود را داشته باشند، اما

درآمدشان دیگر کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد.

در برخی برآوردها، از حدود ۲۵ میلیون نفر زیر خط فقر و ۱۵ میلیون

نفر «فقرر جدید» سخن گفته می‌شود. این ارقام، بسته به تعریف خط

فقر و روش محاسبه، نیازمند بررسی دقیق‌اند، اما واقعیت اجتماعی



قادر باستانی تبریزی

پشت این بحث انکارشدنی نیست. خانواده‌هایی که پیش‌تر خود را متعلق به طبقه متوسط می‌دانستند، اکنون برای تأمین خوراک، درمان و هزینه‌های ضروری زندگی درمانده شده‌اند. فقری که چند نسل در فقر زیسته، ممکن است محرومیت را بخشی از سرنوشت خانوادگی خود بداند، اما کسی که تا دیروز زندگی باثباتی داشته و امروز از تأمین نیازهای اولیه ناتوان شده، هزینه رفت‌وآمد و مخارج خانواده او نیز افزایش یافته است؛ نیست؛ احساس می‌کند جایگاه اجتماعی و امنیتی را که برای سال‌ها ساخته بود، از دست داده است. در چنین شرایطی، هر هزینه اضافی، هر قیمت‌گذاری بی‌ضابطه و هر سوءاستفاده از نیاز ناگزیر مردم، احساس بی‌پناهی را تقویت می‌کند. ممکن است گفته شود مکانیک، لوله‌کش یا تعمیرکار هم در همین اقتصاد زندگی می‌کند و اجاره کارگاه، ابزار، قطعات، هزینه رفت‌وآمد و مخارج خانواده او نیز افزایش یافته است؛ این حرف درستی است. نمی‌توان انتظار داشت هزینه‌های زندگی برای همه بالا برود، اما دستمزد یک گروه ثابت بماند. هیچ‌کس حق ندارد از مهارت و کار تخصصی دیگران انتظار خدمت رایگان داشته باشد. اما پذیرش این واقعیت، به معنای توجیه هر مبلغی نیست. میان دریافت دستمزد متناسب با تخصص و تحمیل هزینه‌ای نامتناسب به مشتری، فاصله زیادی وجود دارد. اگر تعمیرکار برای یک کار کوچک، رقمی مطالبه می‌کند که هیچ تناسب روشنی با نوع خدمت، هزینه قطعه و زمان صرف‌شده ندارد، حق مشتری است که درباره مبنای قیمت سؤال کند و پاسخ روشن بگیرد. این مسئله فقط به خانوارها مربوط نیست. کشاورزی را در نظر بگیریم که برای تعمیر تراکتور باید ده‌ها میلیون تومان بپردازد. این هزینه در نهایت بخشی از بهای تمام‌شده محصول او خواهد شد. کشاورز نمی‌تواند برای همیشه افزایش هزینه‌ها را از جیب خود بپردازد. هزینه تعمیر ماشین‌آلات، آب، برق، حمل‌ونقل، نهاده‌های

هنر خوانی

مجیدی: کیارستمی فیلسوف سینمای ایران است

فیلم را قبول کند؛ اما او با ترفند خاصی این کار را قبول نکرد. طبیعی بود که کمی ناراحت شوم، ولی دوستی من و صمدیان تا امروز هم ادامه دارد». او با بیان اینکه پیش‌تر آثاری از صمدیان را دیده بود، درباره تجربه تماشای مستند «در جاده با عباس کیارستمی» اظهار کرد: «امشب وقتی این مستند را دیدم، به‌ویژه اپیزود آخر آن، به‌قدری منقلب شدم که دوست داشتم اینجا درباره‌اش با شما صحبت کنم». این کارگردان سینما در ادامه با تأکید بر اهمیت نگاه صمدیان به ثبت لحظه‌ها و موقعیت‌ها، گفت او می‌توانست علاوه بر عکاسی، فیلم‌بردار توانمندی در سینمای ایران باشد؛ اما در آن صورت، شاید جای خالی نوعی از سینمای مستند که صمدیان ارائه کرده است، همچنان باقی می‌ماند.

مجیدی سپس با اشاره به محدودیت‌های فیلم‌برداری در فضای داخلی خودرو، شیوه کار صمدیان را

تحسین کرد و توضیح داد: «وقتی می‌خواهیم فیلم بسازیم، لوکیشن را می‌بینیم و تمام زوایا را بررسی می‌کنیم

تا بهترین موقعیت‌ها و زاویه‌های مناسب را طراحی کنیم. حالا فکر کنید در فضای محدود ماشین هستید و

نمی‌توانید قرار است چه اتفاقی بیفتد؛ با وجود تمام محدودیت‌های مانور، دوربین او زیباترین پلان‌ها را ثبت

کرده است».

او تأکید کرد در این بخش از صحبت‌هایش، بیش از آنکه درباره کیارستمی سخن بگوید، قصد دارد به شیوه

فیلم‌سازی صمدیان بپردازد؛ به‌ویژه در اپیزود پایانی مستند.

مجیدی در توصیف این بخش گفت: «تا امروز می‌گفتیم کیارستمی «شاعر» سینمای ایران است. حالا با

دیدن این اپیزود می‌توانم اضافه‌کنم که کیارستمی «فیلسوف» سینمای ایران است و تمامی این حس را از

دوربین صمدیان می‌گیریم». او در ادامه به انتخاب‌های بصری صمدیان اشاره کرد و گفت دوربین در حالی که

پشت سر کیارستمی حرکت می‌کند، به حرم او وارد نمی‌شود، بیش از اندازه به چهره‌اش نزدیک نمی‌شود و

به‌جای آن، تانکر آبی را به تصویر می‌کشد که در جاده‌ای پوشیده از برف حرکت می‌کند.

مجیدی این شیوه را نمونه‌ای از سینمای ناب مستند دانست و در پایان گفت اپیزود پایانی فیلم به‌اندازه‌ای

شاعرانه است که می‌تواند ساعت‌ها درباره آن صحبت کند.

شهرخوانی

بازننشسته

حسین قلی‌خانی

صبح زود است. درخواست سفری در تاکسی اینترنتی ثبت می‌کنم. چند دقیقه بعد، راننده مقابلم توقف می‌کند. آویزه‌ها و خرده‌وسایل داخل خودرو، آن را بیشتر به ماشین خانوادگی شبیه می‌کنند تا وسیله‌ای برای جابه‌جایی مسافر. انگار خودرویی که سال‌ها وسیله آمد و شد اهل خانه بوده، حالا به ابزاری برای کسب درآمد تبدیل شده است. در خلال گفت‌وگو می‌گویند بازنشسته است. صبح زود از خانه بیرون می‌زنند، پشت فرمان می‌نشیند و اغلب تا پایان روز کار می‌کند. این نخستین بار نیست که با چنین موقعیتی روبه‌رو می‌شوم. بازنشسته دیگری مدتی است متصدی یک پارکینگ شهری شده. افراد دیگری نیز هستند که در آژانس‌های شهری، شرکت‌های خصوصی و رستوران‌ها مشغول کارند. آدم‌هایی که جوانی خود را در کارخانه، شرکت، کارگاه یا پای دستگاه تولید گذاشته‌اند تا با رسیدن به سن بازنشستگی، فرصتی برای استراحت، خانواده و زمانی برای خودشان داشته باشند. اما وقتی درآمد بازنشستگی کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، پایان کار فقط روی کاغذ اتفاق می‌افتد. این دو نفر، با شغل متفاوت و سایر مواردی که به آنها اشاره شد، در یک نقطه به هم می‌رسند: هر دو یک دوره کامل کار کرده‌اند، بازنشسته شده‌اند و دوباره به کار برگشته‌اند. این وجه مشترک، به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره وضعیت همه بازنشستگان کافی نیست، اما می‌تواند دریچه‌ای باشد برای نگاه‌کردن به معنای بازنشستگی و مواجهه با پرسشی که بازنشستگی امروز دقیقاً به چه معناست؛ اینجا مسئله فقط به کم یا

زیادبودن حقوق بازنشستگی نیست، بلکه مسئله این است که کارکرد بازنشستگی دست‌کم برای بخشی از جامعه تغییر کرده و به معنای پایان کار نیست؛ پایان یک شغل و آغاز شغلی دیگر است. شاید نه برای پیشرفت شغلی یا کسب تجربه‌ای تازه، بلکه برای کاستن بار هزینه‌هایی که بر دوش سنجینی می‌کند. این شاید یکی از تناقض‌های کمتر دیده‌شده زندگی امروز جامعه کنونی ما باشد: آدمی که باید ماحصل یک عمر کارکردن را در آرامش، آسایش و امنیت روانی بگذراند، دوباره باید باقی‌مانده وقت و توانش را برای تأمین نیازهای اولیه زندگی به کار بگیرد. اینها بازنشسته‌هایی هستند که باز هم ننشسته‌اند.

اتفاق خوانی

ثروتمندترین شهرهای دنیا

براساس شاخص جهانی شهرهای آکسفورد اکونومیکس در سال ۲۰۲۶، شهر سن‌خوزه در ایالت کالیفرنای آمریکا با تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۳۸ هزار و ۷۰۰ دلار، در صدر فهرست شهرهای جهان قرار گرفته است. سان‌فرانسیسکو با حدود ۱۸۲ هزار دلار و دویلین، پایتخت ایرلند، با نزدیک به ۱۶۰ هزار دلار در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. حضور سن‌خوزه و سان‌فرانسیسکو در رتبه‌های نخست، اهمیت شرکت‌های فناوری و فعالیت‌های اقتصادی پردرآمد در منطقه سیلیکون‌ولی را نشان می‌دهد. شهرهای سئولیس‌بارل، ژنو و زوریخ نیز به دلیل فعالیت‌های مالی، صنعتی و خدمات تخصصی در میان ۱۰ شهر نخست دیده می‌شوند. در این فهرست، شهرهای آمریکایی سیاتل، بوستون و نیویورک نیز جایگاه بالایی دارند. سنگاپور با تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۹۹ هزار دلار در رتبه ۳۶ و دمام عربستان سعودی با حدود ۹۷ هزار دلار در رتبه ۳۹ قرار گرفته‌اند. این رتبه‌بندی براساس میزان تولید اقتصادی و جمعیت شهرها در سال ۲۰۲۵ تهیه شده است. نکته مهم اینکه تولید ناخالص داخلی سرانه، درآمد واقعی شهروندان نیست؛ بنابراین قرارگرفتن یک شهر در رتبه بالاتر لزوماً به معنای ثروتمندتربودن همه ساکنان یا هزینه زندگی مناسب‌تر در آن نیست. اما به‌رحال باید منتظر ماند و دید در شرایطی که در پیش است، این روند ادامه خواهد داشت. به‌رحال آوج‌گیری استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند فضا را تغییر دهد و به‌تازگی جف بزوس، بنیان‌گذار آمازون، گفت: «برخی افراد ممکن است به این نتیجه برسند که با سه روز کار در هفته نیز می‌توانند مخارج خانواده خود را تأمین کنند. به باور او، این موضوع نمونه‌ای از تأثیر واقعی افزایش بهره‌وری بر اقتصاد است». او همچنین معتقد است فراوانی منابع و کاهش نیاز به اشتغال تمام‌وقت می‌تواند به تغییر الگوی کار خانواده‌ها منجر شود؛ به‌طوری‌که برخی خانواده‌ها دوباره به مدل تک‌درآمدی روی بیاورند و یکی از زوجین، در صورت تمایل، کار تمام‌وقت را کنار بگذارد. از نگاه او، این تغییر می‌تواند‌استخدام نیروی انسانی را برای شرکت‌ها دشوارتر کند.

۳

درصد

رئیس صندوق بین‌المللی پول گفت: سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، رشد اقتصاد جهانی را حدود سه درصد نگه داشته و مزایای قابل توجهی برای بسیاری از اقتصادهای آسیایی که سخت‌افزار مورد نیاز این فناوری را تأمین می‌کنند به‌همراه داشته است. به‌طوری‌که برخی خانواده‌ها دوباره به مدل تک‌درآمدی روی بیاورند و یکی از زوجین، در صورت تمایل، کار تمام‌وقت را کنار بگذارد. از نگاه او، این تغییر می‌تواند‌استخدام نیروی انسانی را برای شرکت‌ها دشوارتر کند.
۰.۸ درصد افزایش دهد.

۶

ماه

پلیس راهور بر ضرورت احراز سلامت جسمی و روانی رانندگان تأکید کرده و قرار است در صورت احرازداشتن شرایط سلامت لازم برای رانندگی، مطابق ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، از ادامه رانندگی فرد جلوگیری و گواهینامه او حداقل به مدت شش ماه ضبط شود و همچنین راننده متخلف به مراجع قضائی معرفی می‌شود.
برخورداری از سلامت جسمی و روحی-روانی، یکی از شروط اساسی برای رانندگی و دریافت مجوزهای مربوط به آن است و این شرایط باید در مراحل اولیه صدور گواهینامه احراز شود.

۴۰۰

سال

خبرآنلاین: به گفته مقام‌های فرانسوی، آتش‌سوزی، قدیمی‌ترین بازار سروپوشیده مواد غذایی پایتخت فرانسه را که از جاذبه‌های گردشگری پاریس و محل محبوب عرضه غذاهای خیابانی بود، به‌طور کامل تخریب کرد. بازار سروپوشیده «مارشه کوورت درانفان روز» در محله لو ماره پاریس از سال ۱۶۱۵ فعالیت داشت و نامش از لباس‌های قرمزنگی گرفته شده بود که یتیمان در بیمارستانی در نزدیکی آن تا سال ۱۷۷۲ بر تن می‌کردند. پس از آتش‌سوزی به گفته مقامات چیزی از بازار سروپوشیده باقی نمانده است.